

DOI: <http://dx.doi.org/10.30512/kq.2022.16877.3128>

## بررسی و تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای احادیث پیامبر (ص) در «نهج الفصاحه» با تکیه بر اصوات مجهور و مهموس\*

علیرضا جمالی<sup>۱</sup>

زهرا خسروی و مکانی<sup>۲</sup>

محسن پیشوایی علوی<sup>۳</sup>

### چکیده

سبک‌شناسی دانشی فراهنجاری در زبان است که نظام خاص اندیشه‌های نویسنده یا گوینده و روش شخصی او را در بیان موضوع آشکار می‌کند. این دانش در دهه‌های اخیر متفاوت از گذشته مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از جنبه‌های این دانش سبک‌شناسی لایه‌ای است که سطوح مختلف زبانی یک اثر را از آواشناسی تا معناشناسی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بررسی آواهای مجهور و مهموس و نقش موسیقایی آن در القای معانی یکی از رهیافت‌های جدید دانش فوق است که ضرب آهنگ آواهای مذکور و نحوه کاربرد هر یک را در موقعیت‌های مختلف و متناسب با فضای موجود واکاوی می‌کند. «نهج الفصاحه» کتابی است که سخنان پیامبر اکرم (ص) را درباره فضیلت و اخلاق در بردارد. دقت در سبک آوایی این سخنان گرانبار بستر مناسبی برای درک ویژگی‌های شیوه بیانی آن حضرت (ص) و فهم اندیشه‌های ایشان را فراهم می‌کند. نوشتار حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی آواهای سبک‌ساز احادیث مجموعه مذکور و چگونگی انسجام اصوات را بررسی نماید و کارکرد آواهای مجهور و مهموس در کلام پیامبر اکرم (ص) را با توجه به معانی مورد نظر تبیین و بسامد هر یک از آن‌ها را در افاده معنا نشان دهد. نتایج گویای آن است که آواهای مجهور و مهموس با بیش‌ترین بسامد، موسیقی درونی و تصویرسازی را تقویت نموده‌اند و معانی مورد نظر را به خوبی بازتاب داده‌اند. از این رو، در جایی که کلام نیازمند قاطعیت و صلابت است، حضور آواهای مجهور و در جایی که کلام نرمی و انعطاف سخن را ایجاب نموده، حضور آواهای مهموس به خوبی محسوس است.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی لایه‌ای، آواهای مجهور و مهموس، احادیث نهج الفصاحه.

\* تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران/  
alirezajamali731@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
khosravivamakani@gmail.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران / m.pishvaii@uok.ac.ir

## ۱- مقدمه

زبان در معنای خاص خود یک سامانه ارتباطی است که گوینده، اندیشه‌های خود را در قالب آن و با استفاده از پاره‌ای نمادها برای شنونده بیان می‌کند. این سامانه و نمادهای آن خواه به صورت نوشتاری باشند و خواه گفتاری، مجموعه اصوات و آوایی هستند که معنا و موسیقی را بازتاب داده و سبک نویسنده یا گوینده را از سبک دیگران متمایز می‌سازند. از این رو، صوت یکی از مهم‌ترین بخش ساختاری یک متن به شمار می‌رود و با شناخت آن، کیفیت حروف و واژه‌ها در حالت استقلال و در حالت ترکیب در جمله آشکار می‌شود. از نظر زبان‌شناسی هر آوایی معنا و دلالتی ویژه دارد و همین امر آفریننده اثر را در القای معانی مورد نظر و شرح و بیان آن کمک می‌کند (انیس، ۱۹۷۱، ص ۲۰)؛ یعنی وجود بسامد یک صوت خاص در یک عبارت بیانگر یک معنا و تکرار همان صوت در هم‌نشینی با آوای دیگر معنای دیگری را افاده می‌نماید. بدین جهت به هر میزانی که آوا در خدمت معنا قرار گیرد، به همان میزان ارزش و اعتبار کلام بیشتر می‌شود (نحله، ۱۹۸۱، ص ۳۳۹). وقتی که این روند قوت بگیرد، سخن در عمق روح و روان شنونده یا خواننده نفوذ می‌کند و با تأثیری که از خود بر جای می‌نهد، موجبات رشد و تعالی فکری و عملی را در او فراهم می‌نماید.

نهج الفصاحه گردآوری و ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده یکی از متونی است که سبک آواشناسی لایه‌ای آن درخور توجه است، زیرا این متن در بردارنده خطبه‌ها و احادیث گرانباری از پیامبر اکرم (ص) است که بعد از قرآن کریم مهم‌ترین منبع معنا برای مسلمانان است. این مقاله سبک آوای مجهور و مهموس را صرفاً، در احادیث این مجموعه مورد بررسی قرار می‌دهد. روش کار این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه زبان‌شناسی نوین است. سؤال‌های پیش‌رو عبارتند از:

۱- کارکرد و رابطه میان آوای مجهور و مهموس با معانی مورد نظر در کلام پیامبر اکرم (ص) چگونه قابل تبیین است؟

۲- کدام دسته از آوای مجهور و مهموس علاوه بر نقش آفرینی در افاده معنا بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند؟

سخنان پیامبر (ص) در نهج الفصاحه موضوعی نیست که از دید اندیشمندان به دور مانده باشد، از این رو، محققان از جنبه‌های مختلف آن را مورد توجه قرار داده‌اند. کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در این باره نوشته شده است، اما همه آن‌ها به جنبه‌های فکری، اعتقادی و اخلاقی محتوای خطبه‌ها و احادیث نهج الفصاحه عنایت نموده‌اند. معدود پژوهش‌هایی که به بررسی ادبی برخی از سخنان حضرت (ص) پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

۱- مقاله «واکاوی حدیث غدیر از منظر سبک‌شناسی با تأکید بر سطح آوایی و تکرار»، از عباس اقبالی و صدیقه جعفرنژاد (فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلام، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴، صص ۹-۳۱). نویسندگان حدیث غدیر را از نظر سطح زبانی، تکرار واک و واکه، سجع، جناس و مراعات نظیر که سطح موسیقایی کلام را افزایش می‌دهد و موجب اقتناع مخاطب می‌گردد، مورد بررسی قرار داده‌اند و در سطح نحوی نیز به بیان جملات کوتاهی که به مقتضای حال مخاطب بوده است اکتفا کرده‌اند.

۲- مقاله «تحلیل محتوایی خطبه غدیر» نوشته زینب حسینی و همکاران (دو فصلنامه مطالعات فهم حدیث، سال چهارم، شماره دوم بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۷۵-۱۰۳) که در آن صرفاً، از دو شگرد «تحلیل مضمونی» و «لایه‌شناسی مضمونی» برای فهم و واکاوی سه خطبه حضرت رسول (ص) استفاده شده است.

۳- مقاله «درآمدی بر سبک‌شناسی کلام نبوی» از ابوالقاسم اجاقلو و همکاران (فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۲، صص ۵-۲۹). نویسندگان به برخی از مختصات سبک کلام نبوی از جمله، کوتاهی جملات و ناپیوسته بودن، سادگی و عاری بودن آن از آرایه‌های تکلف‌آمیز ادبی پرداخته و با توجه به این ویژگی‌ها، صحت اخبار و روایات منسوب به پیامبر (ص) را بازخوانی و ارزیابی نموده‌اند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود هیچ‌یک از پژوهش‌های مذکور سبک‌شناسی لایه‌ای (سبک‌شناسی صوتی) احادیث پیامبر (ص) را محور واکاوی خود قرار نداده‌اند. لذا با توجه به اینکه سبک‌شناسی مزبور می‌تواند ژرفای سخن و زوایای پنهان آن را آشکار سازد، پژوهش پیش‌رو تلاش نموده است رویکرد فوق را اساس کار خود قرار دهد و به بررسی آواهای مجهور و مهموس در احادیث نهج الفصاحه بپردازد و حاصل آن را در قالب جدول‌هایی با اعداد و ارقام نشان دهد که در نوع خود نوآورانه و رهیافتی جدید است.

## ۲- ارتباط صوت با معنا

سنت مطالعه زبان هزاران سال بر این استوار بود که برای پی‌بردن به ویژگی‌های زبان، باید از روابط آوا-معنا بهره جست (چامسکی، ۱۳۹۰، ص ۵۲). در یونان باستان کراتیلوس که طبیعت‌گرا بود، باور داشت که همه واژه‌ها با مفاهیم خود رابطه‌ای طبیعی دارند و این رابطه در بعضی واژه‌ها آشکار است و حتی افراد عادی هم آن‌ها را در می‌یابند و فهم برخی دیگر را باید با نگاهی تحلیلی و تأویلی دریافت. دیدگاه دیگر که متعلق به ارسطو است، رابطه لفظ و معنا را رابطه قراردادی می‌داند. وی تفاوت واژه‌های زبان‌های مختلف را دلیل بر قراردادی بودن دلالت لفظ بر معنا شمرده است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵، صص ۹-۱۰). بعدها نیز ارتباط بین لفظ و معنا مورد تصریح دانشمندان برجسته اسلام همچون: ابن جنّی، خلیل بن احمد فراهیدی، سیبویه، ابوعلی فارسی، سیوطی و میرداماد قرار گرفت (همان، ص ۱۰). سیوطی در کتاب «المزهر فی علوم اللغة و أنواعها» (سیوطی ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۴۶-۵۵) و ابراهیم انیس در کتاب «دلالة الألفاظ» بابتی را به این موضوع اختصاص داده‌اند (انیس، ۱۹۸۰، ص ۷۵). سنت‌گرایان اروپایی نیز معنا را به صورت بدیهی روح نهفته در جسم واژه‌ها تلقی کردند (کامری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۸۲). اینکه آدمی برای بیان واژه‌ای که مفهومی سخت و دشوار دارد، حروف سخت و خشن را به کار می‌گیرد و برای بیان مفهوم نرم و لطیف، از حروفی متناسب با آن بهره می‌برد، اصلی روشن است و در همه جای دنیا پذیرفته شده است (خوش‌منش، ۱۳۹۹، ص ۹۱). در هر صورت، رابطه میان صوت و معنا - خواه از نوع ذاتی باشد یا قراردادی- به عنوان یک اصل پذیرفته‌شده در زبان بشری گویای وجود پیوند میان آواها با معانی واژه‌هاست و این توسعه مفهومی کار درستی است.

### ۳- سبک‌شناسی آوایی احادیث نهج‌الفصاحه

یکی از لایه‌های بلاغت در گفتار بدیع، لفظی است که هدف آن کندوکاو در روابط متعدد آوایی و موسیقایی در بین کلمات است؛ رشته‌ای نامرئی که کلمات را به هم گره می‌زند و بافت ادبی را به وجود می‌آورد و غالباً ماهیت آوایی و موسیقایی دارد. در این روند، صوت یا صدا نقش اولیه را در سخن ایفا می‌کند و این صدا اساس گفتار است و رمز معنای کلمه و جمله در آن نهفته است. لذا صوت، کلمه، معنا و جمله که عناصر اصلی زبان را تشکیل می‌دهند با یکدیگر پیوند مرموزی دارند. حروف هر زبان و چگونگی صوتی که از ادای آن‌ها به گوش می‌رسد دارای ویژگی‌های خاصی است که زبان‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند. به عنوان مثال، صوت باء از صوت میم متفاوت و هرکدام دارای بار معنایی خاصی هستند. به همین معیار، هر یک از حروف و صوت و آهنگ برآمده از آن‌ها چنین است. لایه صوتی اولین گام در بررسی زبانی است، زیرا صوت کوچک‌ترین واحد در زبان است. «در سبک‌شناسی صوتی، اصوات به دو صورت مجهور و مهموس مورد بررسی قرار می‌گیرد». «در زبان عربی اصوات مجهور عبارتند از: ا، ب، ج، د، ذ، ر، ز، ض، ظ، ع، غ، ل، م، ن، که حروف لین، واو، و یاء به آن‌ها اضافه می‌شود. اصوات مهموسه نیز چنین است: ت، ث، ح، خ، س، ش، ص، ط، ف، ق، ک، ه» (انیس، ۱۹۷۱، صص ۲۰-۲۱). «با توجه به این که «الف» از حروف صدادار است، لذا از حروف مجهور محسوب می‌شود، ولی همزه از جمله حروفی است که اقوال در مورد آن زیاد است. بعضی آن را مجهور و بعضی مهموس دانسته‌اند. اما برآیند این اقوال آن که همزه نه مهموس است و نه مجهور» (فوزان، ۱۴۲۸، ص ۲۴/مختار عمر، ۱۹۹۷، ص ۳۲۴).

#### ۳-۱- آواهای مجهور

آواهایی هستند که در اثنای تولید آن‌ها، تارهای صوتی در حنجره به ارتعاش درمی‌آید. بدین ترتیب که هنگام انقباض و بسته‌شدن چاکنای، تارهای صوتی به یکدیگر نزدیک می‌شوند، از این رو، چاکنای (فضای بین تارهای صوتی) تنگ می‌شود، اما جریان هوا هنوز می‌تواند از آن عبور کند. با عبور هوا از این مجرا تارهای صوتی به‌طور منظم مرتعش می‌شوند و ویژگی خاصی را ایجاد می‌کنند که آن را «واک» می‌نامند (انیس، ۱۹۷۱، ص ۲۰).

از مهم‌ترین ویژگی‌های آواهای مجهور (واکدار) در هر زبانی کثرت آن‌هاست که نقش اساسی در موسیقایی زبان دارند. با بررسی صورت گرفته از مجموع ۶۹۴۶ کلمه، در ۲۹۷ حدیث نهج‌الفصاحه، بسامد آواهای به کار رفته و نیز با لحاظ ملاک بیشترین بسامد مورد تحلیل قرار گرفته و سپس، در قالب جداولی ذیل هر موضوع به نمایش درآمده است. مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی احادیث، بسامد بالای آواهای مجهور است که نقشی اساسی در القای معانی بازی نموده‌اند.

#### ۳-۲- تکرار اصوات

تکرار اصوات در آفرینش معنا و انتقال آن به شنونده عنصری اساسی است. تکرار آن چه که در موسیقی وزن را، و در نقاشی انگاره را به وجود می‌آورد، در سخن نیز با برقراری این همانی بین جهان بشری و جهان پیرامونی،

وجوه تشابه را پیش روی مخاطب می‌نهد. هر ساختاری یک گرانیگاه یا یک سطح مسطح دارد (ایگلتن، ۱۳۶۸، ص ۱۳۷). این مرکزیت موجب انسجام ساختاری و محتوایی می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی که موجب مرکزیت معنایی و ساختاری می‌شود، تکرار در سطوح مختلف است. «تکرار به معنا و مفهوم متن نوعی اصالت و عمق می‌بخشد و باعث می‌شود کلام دور یک محور متمرکز شود، عواطف را تشدید کرده و اثرگذاری را افزایش می‌دهد، با ایجاد هم‌حروفی و تکرار صداهایی خاص، آهنگ کلام را به سمت یک ریتم مشخص هدایت می‌کند» (ملائکه، ۱۹۸۲، صص ۲۶۳-۲۷۷). تکرار هدف را برجسته می‌کند، خواه این برجسته‌سازی در جهت مثبت و خواه به منظور تحقیر و ابراز نفرت باشد (متحدین، ۱۳۵۴، ص ۵۰۷). تکرار در کلام در سه شکل قابل تصور است: تکرار صوتی، تکرار لفظی، تکرار عبارت (علوان سلمان، ۲۰۰۸، ص ۲۸۶). «تکرار صوتی بر پایه تحلیل واحدهای آوایی استوار است که هر یک از این واحدها با صفت‌های خاص خود از دیگر واحدهای صوتی متمایز می‌گردند. بنابراین، هر ریتمی معنایی خاص را بیان می‌کند؛ معنایی که غایت‌مندی نویسنده و معانی عمیق در ورای آن نهفته است» (لوشن، ۲۰۰۸، ص ۱۲۲). گاهی تکرار یک آوا یا مجموعه خاصی از آواها در بافت متن به گونه‌ای است که آهنگ آن آواها بر دیگر آواهای متن غالب است. آن چه درباره تکرار و انواع آن ادعا شد در احادیث نهج الفصاحه به خوبی به دست می‌آید.

#### ۴- تحلیل بسامد حروف / آواها

تکرار حروف و اصوات دارای دو مزیت است: یکی خاصیت سمعی و شنوایی، که به ویژگی صوتی حروف بازمی‌گردد و دیگری خاصیت فکری که به معنا و تصویری که از صفات صوتی حروف ناشی می‌شود مربوط است. تحلیل و بیان مؤثرترین آواها که بیشترین بسامد را در احادیث به خود اختصاص داده و تأثیری که در آشکار کردن معنا داشته، چنین است:

##### ۱-۴- لام

صوت «لام» از حروف ذلق است که دارای شیوایی و گویایی خاص است (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۰۹) و در تلفظ دارای برجستگی خاصی است و تارهای صوتی را به نوسان در می‌آورد. هم‌چنین «صامت لام بر التصاق و پیوستگی و قطع‌نشدن دلالت دارد» (عباس، ۱۹۹۸، ص ۸۲). پیامبر (ص) درباره علم و عالم چنین فرموده است: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِمَا يَطْلُبُ، صَاحِبِ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَوَرِثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّهِ وَإِفْرِهِ» (پاینده، ۱۳۸۵، صص ۴۷۹-۴۸۹). در این فراز حضرت رسول (ص) با ذکر جایگاه علم و عالم، مخاطب را به فراگیری دانش تشویق نموده است، زیرا دانش عامل تحرک و پویایی جامعه اسلامی است. از این رو، برای عالم مرتبه‌ای بسیار بالاتر از عابد تعیین فرموده‌اند: «فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت ماه شب چهاردهم بر

سایر ستارگان است». در اینجا سبک آوایی حاکم، علاوه بر کلمه «الله» که حامل لام مفخّمه است بیشترین تکرار خود را با ۴۰ بار در آوای مجهور «لام» مرققه که دارای صوتی ظریف و لطیف است (انیس، ۱۹۷۱، ص ۶۴)، نشان داده است. این حرف را همخوان روان گویند، زیرا صوت آن روان، سیال، جاری و شفاف است؛ مانند تداعی صدای باران وقتی که آرام آرام و پی در پی فرو می ریزد و جاری می گردد، صوت و آهنگ ملایمی را به همراه دارد. نرمی و سهولت تلفظ حرف لام و همنشینی آن با میم موجب دل‌نشینی کلام پیامبر (ص) شده است. این تکرار استمرار معنا و پیوسته بودن دانش آموزی را همراه با تکریم عالم و صدرنشینی او به نمایش گذاشته و چون مفاهیم حدیث پی در پی ذکر شده‌اند، خواننده را به دانش اندوزی و کوشش مداوم تشویق می کند. در عبارت «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَعْيُنَهُنَّ لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِمَا يَطْلُبُ»

بُ، حالت مصوت کوتاه ضمه بر روی لام و باء در واژه «يَطْلُبُ» همین معنا را در بر دارد، چون به هنگام تلفظ آن، لب‌ها به طرف جلو کشیده می شوند و همین حالت نشان می دهد که روند حرکت انسان رو به جلو است و فراگیری دانش زمان و مکان نمی شناسد. بدین جهت حضرت (ص) بر علم آموزی تأکید کرده است. تکرار این صوت روان تشبیه زیبای عالم به ماه شب چهاردهم را به خوبی به تصویر کشیده است، آن هنگام که ماه طلوع می کند و آرام آرام از پشت کوه‌ها بیرون می آید و سپس در اوج آسمان قرار می گیرد و همه جا را روشن می کند. نیز از آنجا که لام از صفت صلابت و استواری برخوردار است (عامود، ۲۰۰۹، ص ۲۹۰)، ضمن ایجاد موسیقی لازم، به بیان معنای حدیث کمک شایانی نموده است و مدلول آن را که نزدیکی عالم به خداوند و جایگاه رفیع او در نزد خدا و مردم است به خوبی در اختیار نهاده است.

## ۲-۴-الف

مصوت «الف» دارای کشش و بلندی است (عباس، ۱۹۹۸، ص ۹۷) و از جمله حروف مدی است که مخرج تلفظ آن گسترده است، بدین صورت که هنگام بر زبان آوردن آن مجرای تلفظ باز می شود. «این خصوصیت موجب شده است که این حرف، روان بر زبان جاری شود» (ابن جنی، ۱۹۵۴، ص ۸). حضرت رسول (ص) در حدیثی از بخشش و گذشت به عنوان دو صفت اخلاقی ممدوح و از بخل و بدخویی به عنوان دو صفت اخلاقی مذموم یاد کرده و فرموده‌اند: «خُلِقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ وَ خُلِقَانِ يُبْغِضُهُمَا اللَّهُ فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالسَّخَاءُ وَ السَّمَاخَةُ وَ أَمَّا اللَّذَانِ يُبْغِضُهُمَا اللَّهُ فَسُوءُ الْخُلُقِ وَ الْبُخْلِ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا اسْتَعْمَلَهُ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ النَّاسِ» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

در این حدیث آوای الف با ۱۸ بار تکرار از محتوای حدیث پرده برداشته و جهت مندی آن را نشان داده است. مصوت‌های بلند از جمله الف چون از حروف مدی هستند، از لحاظ کشش، زمانی طولانی‌تر از صوامت دارند و دو برابر آن‌ها کشیده می شوند (بحراوی، ۱۹۹۱، ص ۵۲). چنین امتدادی باعث ایجاد حالت ثبوت می شود؛ درحالی که صوامت و مصوت‌های کوتاه، تغییر و حرکت را القا می کنند (زارعی فر، ۲۰۰۷، ص ۳۴). این مصوت با تکراری که در بیشتر واژگان دارد، پاره‌ای از فضائل و رذائل اخلاقی را به زیباترین شکل به تصویر کشیده و

پیامدهای آن را پیش رو نهاده است. روانی تلفظ و همنشینی آن با هاء بر انعطاف و نرمی دلالت دارد، به‌ویژه در کلمه جلاله «الله» موضوع فوق هرچه بیشتر تقویت شده است. ایقاع حاصل از «الف» کثرت الطاف الهی و تداوم آن را نسبت به بندگان نشان می‌دهد و محتوای حدیث را در قالب اندرز و تأمل درباره آثار مثبت سخاوت و آثار منفی بخل، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. این مطلب در کشش، قوت و امتداد صوتی که در الف به عنوان یک آوای مفخم وجود دارد، مشهودتر است و صلابت سخن، تأمل و ژرف‌نگری را در مخاطب دامن زده است. نگاهی به توازن آوایی حدیث نشان می‌دهد «واکه‌های بلند الف که دارای بسامد بیشتری است برای بیان برآشفتگی، خشم و توصیف اندیشه‌ها و احساسات متناسب است، زیرا در زمان تجلی آن‌ها صدا اوج می‌گیرد» (قویمی، ۱۳۸۳، صص ۳۳-۳۱). باید دانست که آوای الف تک‌بُعدی نیست و تنها یک معنا را تقویت نمی‌کند، بلکه این حرف در کنار «واو - یاء» با دارا بودن کارکرد چند معنایی هم‌چون شدت، جهری بودن، اتساع و امتداد نَفَس، هم برای حالت‌های حزن و اندوه و هم برای بیان اشتیاق در کلام حضرت رسول (ص) نمود خاصی یافته است. این آوا با ایجاد نوعی کشش صوتی در کلام، در خوش‌آهنگی کلام مؤثر بوده و در نتیجه، توانسته است موسیقی زیبایی را در این حدیث به وجود آورد، طوری که گوش را بنوازد و تأثیری عمیق بر مخاطب بگذارد.

### ۳-۴-۳-میم

«میم» از اصوات مجهور است. در تلفظ این واج لب‌ها روی هم نهاده می‌شوند، راه عبور هوا از دهان بسته می‌شود و با امتداد لب‌ها صوت میم پدید می‌آید. این پدیده بیان‌گر جریانات طبیعی است که در آن مسدود شدن را به تصویر می‌کشد. «صفت مهم این حرف انسداد و چسبندگی است و از آنجا که حرفی خیشومی است، هنگام ادا از فضای دهان به داخل فضای بینی می‌افتد و قطع ناگهانی صوت را به گوش می‌رساند» (خوش‌منش، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸). در حدیث زیر این صوت در خدمت حال و هوای متناسب با محتوای حدیث است: «مَا مِنْ آدَمِيٍّ إِلَّا وَفِي رَأْسِهِ حِكْمَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ مَلِكٍ فَإِذَا تَوَاصَعَ قَبِيلَ لِّلْمَلِكِ اِرْفَعَ حِكْمَتَهُ وَ إِذَا تَكَبَّرَ قَبِيلَ لِّلْمَلِكِ صَعَّ حِكْمَتُهُ» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶). این حدیث در مقام نفی تکبر و توجه‌دادن مخاطب به موضوع تواضع و فروتنی است. این صوت با ۹ مرتبه تکرار بر تحریک و هوشیاری دلالت دارد و با مضمون کلام پیامبر اکرم (ص) تناسب معنایی دارد. بر این اساس تلفظ این حرف و موسیقی حاصل از آن، در همنشینی با اصوات شدید (ک، ت، ب، ق، ض) به تناسب ماهیت موضوع، اقتضای چنین آوایی را می‌نماید و حتمی بودن این سنت الهی را به تصویر می‌کشد که هر کس تکبر ورزد، سبب هلاکت و سقوط خود را تدارک دیده است. از این‌رو، این اشخاص را از داشتن چنین صفتی منع نموده و در مقابل افرادی را که فروتنی پیشه نمایند، تشویق می‌نماید، زیرا با این خصلت زمینه اعتلای خود را فراهم می‌کنند. نیز تعالی انسان و ارتقای جایگاه او در نزد خداوند ویژه کسانی است که خویششان را به زیور افتادگی بیارایند. در این صورت به فرشتگان گفته می‌شود منزلت و حکمت او را بالا ببرند. باید اذعان نمود کاربرد مکرر میم و همنشینی آن با لام از یک طرف، به معنا وضوح بیشتری بخشیده است و از طرف دیگر، با ایجاد تنوع

موسیقایی و تشکیل زنجیره آوایی توانسته است بر تأثیر حدیث و تثبیت آن در ذهن مخاطب بیفزاید، به ویژه آغاز حدیث که با واژه آدم آغاز شده است. این واژه عام و مفهوم آن، همه انسان‌ها را شامل می‌شود و بسامد این صوت که نرمی، خویشنداری و پافشاری را افاده می‌کند، در مجموع گسترده‌گی، فراگیری و عمومیت دعوت و پیام حضرت رسول (ص) را نشان می‌دهد.

#### ۴-۴-۴-نون

«نون» حرفی جهری، انفی و لثوی است (سلوم، ۱۹۹۶، ص ۳۶) و در آواشناسی عربی حرفی میان شدت و رخوت به حساب می‌آید و با برخورداری از صفت غنه در کلام موسیقی و وضوح ایجاد می‌کند و در حالت مشدد بودن موجب آهنگین شدن صدا می‌شود (انیس، ۱۹۷۱، ص ۶۴). تکرار نون دلالت بر رقت، لطافت و زیندگی دارد (عباس، ۱۹۹۸، ص ۱۶۳) و تقویت‌کننده معانی و مفاهیم مذکور است که با ویژگی زنان هماهنگ است. در حدیث زیر آوای نون با ۸ بار تکرار با آهنگی که در تلفظ آن وجود دارد نقش کلیدی ایفا نموده است: «إِتْقَوَاللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَأَنْهَى عَنْكُمْ عَوَانَ» (پابنده، ۱۳۸۵، ص ۳۸۶). پیامبر اکرم (ص) جامعه‌ای را که به حقوق زنان بی‌توجه بوده و مورد ستم قرار می‌دهند، مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «با زنان به خوبی رفتار کنید، زیرا آنان در نزد شما اسیرند». از این جهت زنان را به اسیر تشبیه کرده که قیومیت و تصمیم جدایی و طلاق به دست مرد است و نیز مرد از زن قوی‌تر و نیرومندتر است و این موضوع زن را در مرحله اضطراب قرار می‌دهد. چنین سخنی که در آن آوای نون تکرار شده، بدون شک مناسب‌ترین حرف برای به تصویر کشیدن غم و اندوه است. صوت این حرف از نوعی درد عمیق و متناسب با فطرت سرچشمه گرفته است (عباس، ۱۹۹۸، ص ۱۶۱). واج «نون» صوتی ناشی از ناخشنودی و عدم رضایت را تداعی می‌کند (قویمی، ۱۳۸۳، ص ۴۹). این صوت معنایی دو گانه در آن آشکار است، بُعد جهری آن هشدار به آدمی است تا او را از این عمل باز دارد و عاطفه و شفقت مرد را بر انگیزد و او را بیدار نماید و بعد غنه‌ای آن، بیانگر غم و اندوه ناشی از بی‌توجهی و غفلت نسبت به حقوق زنان است (همان، ص ۴۹). بر این اساس، بسامد این صوت آن معنا را تقویت نموده است.

از نظر قرآن زن و مرد در انسانیت برابرند، ولی از دو گونه خصلت برخوردارند که این دوگانگی از ساختار جسمانی و عاطفی آن دو سرچشمه گرفته است، همان‌گونه که آزادی و برابری انسان‌ها از طبیعت ایشان الهام گرفته، دوگانگی کارایی و وظایف آن‌ها نیز از ساختمان وجودی آن دو ریشه یافته است و به تعبیر استاد مطهری: «زن و مرد دو ستاره‌اند در دو مدار مختلف، هر کدام باید در مدار و فلک خود حرکت کنند... شرط اصلی سعادت هر یک از زن و مرد و در حقیقت جامعه بشری این است که دو جنس هر یک در مدار خویش به حرکت خود ادامه دهند، ... آن چه در جامعه ناراحتی آفریده قیام بر ضد فرمان فطرت و طبیعت است و نه چیز دیگر» (مطهری، ۱۳۸۱ ص ۲۶). نیز همنشینی نون با اصوات لام، قاف و تاء، با دارا بودن صفت استعلاء نشان‌دهنده عواطف و احساسات پیامبر (ص) هستند و نارضایتی آن حضرت در خصوص عدم رعایت حقوق زنان را در



جامعه به تصویر کشیده است و هیچ‌گونه ستم و بی‌رحمی در حق زنان را نمی‌پذیرد. پیام اصلی این صوت تأثیر زیادی در زدودن ستم در حق زنان دارد و این حالت آرامش و وقار را به آدمی تزریق می‌کند.

#### ۵-۴-یاء

آواشناسان صامت «یاء» را هم‌چون «واو» از اصوات انزلاقی دانسته‌اند، زیرا شبیه اصوات صامت و اصوات صائت (مصوت) است که در بیان محتوای کلام نقش اساسی دارد. این آوا از آواهای روانی است که مجرای تلفظ آن گسترده است. سایش این آوا از نظر تلفظ با بقیه همخوان‌ها متفاوت است، هم‌طنین یک واکه و هم سایش یک همخوان را دارد. در این حدیث به فراخور محتوا و برحسب ضرورت، آوای مذکور تأثیر ملموس و محسوسی از خود نشان داده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ هَمُّهُ الْآخِرَةَ كَفَّ اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ جَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ فَلَا يُصْبِحُ إِلَّا غَنِيًّا وَ إِذَا كَانَ هَمُّهُ الدُّنْيَا أَفْشَى اللَّهُ تَعَالَى ضَيْعَتَهُ وَ جَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ فَلَا يَمْسِي إِلَّا فَقِيرًا وَ لَا يُصْبِحُ إِلَّا فَقِيرًا» (پاینده، ۱۳۸۵، صص ۱۶-۱۷). در این فراز دلیل بی‌نیازی و فقر و نیازمندی افراد با ۱۵ مرتبه تکرار آوای یاء به تصویر درآمده است. انتخاب این صوت با محتوای کلام تناسب کامل دارد، زیرا «این واج پیشکامی شامل نوعی ارزش مداوم است و اندیشه تداوم و پایان‌ناپذیری احساسی و همچنین اندیشه دنائت و پستی شخص یا چیزی را تداعی می‌کند» (قویمی، ۱۳۸۳، ص ۶۳). پیامبر اکرم (ص) با به‌کارگیری این صوت تمایلات همیشگی دو گروه از افراد نسبت به دنیا و آخرت و آثار مترتب بر آن دورا به مخاطب انتقال داده است: یکی بنده‌ای که به خاطر دل‌بستگی به دنیا و تلاش زیاد برای فربه‌کردن امکانات زندگی همیشه فقیر است و مال‌اندوزی او را اشباع نمی‌کند؛ امری که سرانجام به هلاکت او منجر می‌شود و دیگری بنده‌ای که هم و غمش ثروت آخرت است و خداوند زندگی‌اش را سامان می‌دهد، طوری که احساس فقر و ناداری در او می‌میرد و خود را غنی می‌یابد. بدین جهت، خداوند انبیاء و رسولان را فرستاده است تا پرده دنیاگرایی را از جلو چشمان مردم کنار زنند و فطرت خداجوی آن‌ها را بیدار نمایند تا از یاد خدا و کمک او غافل نشوند. پیامبر اکرم (ص) به انسان هشدار داده است که مبادا اموال دنیا موجب غفلت او از ذکر و یاد خدا شود که در این صورت همیشه فقیر می‌ماند و در نهایت شکست می‌خورد. در این راستا با به‌کارگیری این صوت که در تلفظ آن نوعی افتادگی و کشش رو به پایین نهفته هست (عباس، ۱۹۹۸، ص ۹۶) و همین امر با پذیرش حقارت و شکست افراد دنیاطلب تطابق دارد، ضعف این افراد را به خوبی ترسیم نموده و علاوه بر ایجاد موسیقی، به تقویت هرچه بیشتر معنای کلام کمک کرده است.

با توجه به بررسی آماری احادیث منتخب در نهج الفصاحه، بسامد اصوات مجهور این‌گونه است:

جدول ۱: بسامد آوهای مجهور در احادیث

درصد	بسامد	آوای مجهور
۱۹/۳۸	۲۶۰۱	الف
۴/۰۴	۵۴۳	باء
۱/۷۴	۲۳۴	جیم
۲/۶۵	۳۵۶	دال
۱/۰۲	۱۳۸	ذال
۶/۵۹	۸۸۵	راء
۰/۸۱	۱۰۹	زاء
۱/۰۶	۱۴۳	ضاد
۰/۳۵	۴۷	ظاء
۴/۷۰	۶۳۱	عین
۰/۵۸	۷۹	غین
۲۱/۳۴	۲۸۶۴	لام
۱۰/۶۳	۱۴۲۷	میم
۱۰/۴۹	۱۴۰۸	نون
۶/۹۰	۹۲۷	واو
۷/۶۶	۱۰۲۸	یاء
%۱۰۰	۱۳/۴۲۰	مجموع

جدول ۲: آوهای مجهور دارای بیشترین بسامد در احادیث

درصد	بسامد	اصوات مجهور
۲۱/۳۴	۲۸۶۴	لام
۱۹/۳۸	۲۶۰۱	الف
۱۰/۶۳	۱۴۲۷	میم
۱۰/۴۹	۱۴۰۸	نون
۷/۶۶	۱۰۲۸	یاء

با توجه به جدول ۱ و ۲ مشخص شد که مجموع بسامد اصوات مجهور ۱۳۴۲۰ حرف، با نسبت ۷۶/۳۸ و مجموع بسامد اصوات مهموس ۴۱۴۹ حرف، با نسبت ۳۲/۶۱ درصد اصوات مهموس است که این امر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی پیامبر (ص) است.

#### ۴-۶- آواهای مهموس

آواهایی هستند که در هنگام تولید آن‌ها، تارهای صوتی به ارتعاش در نمی‌آیند، اما هنگام تولید این آواها، هوا در حلق یا دهان لرزش‌هایی را ایجاد می‌کند که هوای بیرون، آن‌ها را به گوش انتقال می‌دهد و انسان آن صدا را می‌شنود (انیس، ۱۹۷۱، ص ۲۱).

##### ۱-۴-۶- هاء

ه‌اء آوای حلقی فرسایشی مهموس است (بشر، ۱۹۷۱، ص ۳۰۴) و انعطاف را با خود به همراه دارد. پیامبر اکرم (ص) برای شناخت بهترین افراد چنین فرموده است: «الْأَنْسُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ اللَّهُ فَأَحَبُّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۵۶۲).

در این حدیث آوای «ه‌اء» با ۶ مرتبه تکرار به سبک حدیث لطافت و ویژه‌ای بخشیده است. از آنجا که این آوا دارای صفت همس (آرامی)، رخوت (نرمی)، انفتاح (بازشدن کام) و استفال (دورشدن ریشه زبان از کام بالا) به هنگام تلفظ کلمه است، بر انعطاف و نرمی دلالت دارد و آهنگ آن در کلام، حس تعاون، کمک و هم‌یاری را به آدمی القا می‌کند؛ امری که پس از انجام فرایض، بالاترین وسیله تقرب به خداوند متعال است. تکرار آوای ه‌اء که صوتی آرام دارد، علاوه بر ایجاد موسیقی در کلام، پیام مهمی را در بردارد و آن تشویق به خدمت به خانواده و هم‌نوعان است. حضرت رسول (ص) ذهنیات خویش را تبیین می‌نماید و با تکرار این آوای مهموس که صوتی آرام است، افکار درونی خویش را روشن می‌کند. «حرف «ه» معمولاً در انتهای واژه نشان‌دهنده کشش و لطافت در آهنگ و ساختار و نبود تنافر در اصوات حروف است و حالت روانی یا فیزیکی معینی را می‌رساند» (عباس، ۱۹۹۸، ص ۲۰۱). ترکیب و تکرار هریک از حروف «ه‌اء و عین و میم و نون» آهنگ موسیقی را با صراحت و قوت آشکار کرده است. اگرچه در این حدیث به ظاهر هدف، توصیف بهترین و محبوب‌ترین انسان‌ها در خدمت‌رسانی به مردم است، اما در کلام پیامبر (ص) مقابل آن، که بدترین و مبعوض‌ترین انسان‌هاست نهفته است و حضرت (ص) این معنا را به آرامی و به دور از تکلف، به مخاطب القا نموده است. آن‌چه که در این راستا به خوبی انجام وظیفه نموده، بهره‌گیری از آوای هائی است که در انتهای برخی واژه‌های حدیث با ترکیبی از اصوات نرم و سایشی مانند (م، ل، ح) که در دیگر واژه‌ها وجود دارد، توازن بین محتوا و سبک آوانی را برقرار نموده است.

## ۲-۶-۴-تاء

حرف «تاء» از جمله آوای مهم موسیقی است که در محل تلفظش پایدار است و به صورت قوی ادا می‌شود (انیس، ۱۹۷۱، ص ۵۱). تکرار تاء تأکید لفظی و واج آرایی به شمار می‌رود و باعث نفوذ و رسوخ معنا در قلب مخاطب می‌شود که در مورد آن می‌توان گفت: صامتی انفجاری است که به وسیله مکانیسم بسته تولید می‌شود (زندى، ۱۳۷۱، ص ۷۰). پیامبر (ص) در سرزنش کسانی که به امر جهاد در راه خدا پشت کرده و سستی ورزیده‌اند فرموده است: «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا وَ لَضَعَجْتُمْ قَلِيلًا وَ لَخَرَجْتُمْ إِلَى الصَّعَدَاتِ تَجَارُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا تَدْرُونَ تَنْجُونَ أَوْ لَا تَنْجُونَ» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷).

حضور آوای تاء با ۱۰ مرتبه تکرار در بیان معنای حدیث و انتقاد از اوضاع موجود به خوبی محسوس است. این بسامد موجب شده است موسیقی حدیث، قوی و با لطافت و نرمی همراه باشد. قوت موسیقی آن با به کارگیری و هم‌نشینی آوای شددیدی همچون (همزه، تاء، کاف، جیم) در بیان فرجام ناگوار منافقین در روز رستاخیز، صلابت کلام حضرت (ص) را نشان می‌دهد که با صراحت تمام نگرانی و ناراحتی خود را از آنان بیان داشته است. این گروه از جهاد در راه خدا نافرمانی و سرپیچی نمودند و آوای تاء با انسدادی که از آن برخوردار است اوج خشم و انزجار حضرت را از منافقان نشان می‌دهد، چراکه «منافقان اگر بدانند به خاطر ترک جهاد چه پاداش‌هایی را از دست داده و چه فرصت‌های طلایی و چه نعمت‌هایی را کفران کرده‌اند، باید کمتر شادی کنند و بسیار بگریند، هر چند که گریه‌های مادام‌العمر آنها در برابر گریه‌های طولانی قیامت چیزی نیست. لذا خنده و خوشی‌های چند روز منافق حسرت و گریه‌های طولانی را در پی دارد» (قرائتی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۰۵). از منظر زبان‌شناسی نیز «کلماتی که این صامت در آن‌ها به کار رفته، از نوعی اضطراب و هیجان و شدت حکایت می‌کنند» (عباس، ۱۹۹۸، ص ۵۷). حرف تاء با وجود این که دارای صفت شدت و انفجار است، اما آوای آن نرم و قابل انعطاف است و تازگی و نرمی را به مخاطب القا می‌کند و صدای آهسته آن به هنگام تلفظ، ضعف و سستی و حقارت را القا می‌نماید. مهموس بودن این آوا با درد و رنج آن حضرت توازن دارد، زیرا این نرمی و لطافت در آوای تاء حالات گرفتگی درونی حضرت (ص) را نسبت به غفلت منافقان از فرجام کارشان بازتاب می‌دهد. بنابراین، پیامبر اکرم (ص) با بهره‌گیری از این آوا، علاوه بر ایجاد موسیقی در کلام، مفاهیم موجود را بیان فرموده و نقش بارزی در القای پیام به مخاطب ایفا نموده است.

## ۳-۶-۴-فاء

آوای «فاء» از جمله آوایی است که دارای صوت صغیری است و از مهم‌ترین ویژگی‌های آن قوت و وضوح شنیداری در کلام است (داود، ۲۰۰۲، ص ۷۸). در حدیث زیر -که هریک از بخش‌های آن یک مثل است- پیامبر (ص) فرموده است: «آفَةُ الشُّجَاعَةِ الْبَغِيُّ وَ آفَةُ الْحَسَبِ الْإِفْتِخَارُ وَ آفَةُ السَّمَاخَةِ الْمَنُّ وَ آفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَالُ وَ آفَةُ الْحَدِيثِ الْكِذْبُ وَ آفَةُ الْعِلْمِ النَّسِيَانُ وَ آفَةُ الْحِلْمِ السَّفَهُ وَ آفَةُ الْجُودِ السَّرْفُ وَ آفَةُ الدِّينِ الْهَوَى» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

دورنمای این کلام یادآوری فضائل و رذایل اخلاقی است که با ۱۲ بار تکرار بر ترویج اوصاف نیکو در جامعه و در میان افراد آن تأکید می‌ورزد. هدف حضرت رسول (ص) ارشاد، تربیت و تذکر اوصاف و کمالات انسانی و آسیب‌های مربوط به آن است. از آنجا که آوای «فاء» حرفی مهموس است و به معنای کلمه ضعف و سستی می‌دمد، به الفاظی که این حرف در ترکیب آنها وجود دارد، معنای ضعف و سستی را تزریق می‌کند. به عنوان نمونه، کشش صوتی الف و پخش شدن صوت در فاء، دلالت واژه «أفة» را برای بیان هشدار بیش‌تر نموده است، به‌ویژه زمانی که آواهای نرم و غیر انسدادی چون فاء، سین و نون در کنار آن حضور دارند و علاوه بر ایجاد صفیر و نوای طنین‌دار، توجه مخاطب را به عبارت و معنا جلب می‌کنند. اگرچه در این کلمه نوعی فراز و نشیب وجود دارد، اما جنبه فرازین آن که صفیر است غلبه دارد. لازم به بیان است که در راستای هدف مذکور، عناصر آوایی چون (س، ه، ح) که از صفت سایش برخوردارند با الفاظی از کلام که حامل رذایل اخلاقی هستند و سبب ضعف و بی‌رمقی کمالات اخلاقی می‌گردند، تطابق دارند. (آوای فاء در همجواری با حرف «واو» نگرانی و اندوه را القا نموده است) (قویمی، ۱۳۸۳، ص ۴۹). بدین جهت صوت این آوا با پژواک ارتعاش و امتدادی که از آن برخوردار است، با اندوه و نگرانی پیامبر (ص) نسبت به عوامل تباه‌کننده فضائل هماهنگ است. این خصوصیت خواننده را به تفکر وادار و از خطرات پیش‌رو آگاه نموده و برحذر می‌دارد.

#### ۴-۶-۴-قاف

حرف «قاف» از اصوات مهموس و مفتخ است که در تلفظ آن استعلاء زیاد است (انیس، ۱۹۷۱، ص ۳۰). ویژگی صوتی این حرف، آوای انفجاری شدید است که موجب صلابت کلام می‌شود و بیانگر نوعی کوبندگی، تندی و تیزی است (عباس، ۱۹۹۸، ص ۱۰۱). همچنین، قاف با صوت قوی خود نوعی هشدار، بیداری و آگاهی را خلق می‌کند. نمونه نقش‌آفرینی قاف در حدیث ذیل از پیامبر (ص) مشهود است: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۶۴).

این حدیث کوتاه با ۳ مرتبه تکرار قاف با قاطعیت و صلابتی که دارد، به منزله هشدار است که آن حضرت به اختلاف افکنان می‌دهد و آنان را از افتادن در دام نفاق و اختلاف برحذر می‌دارد و ضرورت اتحاد و همبستگی میان مسلمانان و دوری آن‌ها از تفرقه و کینه توزی را گوشزد می‌کند، تفرقه‌افکنان را می‌کوبد و مورد سرزنش و تهدید قرار می‌دهد؛ چون همبستگی پیوند مسلمانان را محکم و از فروپاشی جماعت آن‌ها جلوگیری می‌کند. قرارگرفتن آوای قاف در همجواری با «راء»، آگاهی، هشدار و تهدید آفریده است و با حالت انفجاری خود در تلنگر زدن و هوشیار سازی مخاطب مؤثر واقع شده و این همان چیزی است که معنای حدیث آن را در بر دارد، تا مبدا کسانی که از جماعت مسلمانان فاصله می‌گیرند توسط شیاطین به کمین نشسته فریفته شوند و دین و دنیایشان تباه گردد. وجود «فارق» در کلام سبب شده که آوای «قاف» تداعی‌کننده نوعی شکاف و جدایی شود، این در حالی است که معنای این واژه کاملاً با آوای آن همسو است. «فرق در لغت به معنی جدایی است» (راغب

اصفهانى، ۱۴۱۲، ص ۶۳۲). نکته لطیف و دقیقی که در این واژه وجود دارد وجود واج راء و همنشینی آن با صوت قاف است که بر نوعی تکرار در جدایی و پیوستگی دلالت دارد. آوای قاف با درگیر کردن اندام صوتی، معنای واژه را به تصویر کشیده است و قرارگرفتن آن در کنار اصوات مجهور «لام» و «راء»، بیانگر نوع اراده و خواست پیامبر اکرم (ص) است که هیچ‌گونه تفرقه و جدایی مسلمانان از آرمان‌ها و عقاید را نمی‌پذیرد و اتحاد و با هم‌بودن را عامل اقتدار و نجات آنان می‌داند. از این‌رو، در بسیاری از احادیث که پیرامون انذار است، حضرت (ص) از این حرف و ویژگی صوتی آن به زیباترین شکل ممکن استفاده نموده است.

#### ۵-۶-۴-سین

«سین» از حروف صفیری است که نوعی احساس صوتی را القا می‌کند (عباس، ۱۹۹۸، ص ۱۱۰). این حرف یکی از حروف لثوی و دندانی است که هنگام تلفظ ظنین‌دار است و ارزش موسیقائی زیادی دارد (ملاح، ۱۳۶۷، ص ۷۵). این آوا به لحاظ ویژگی‌های صوتی دارای همس بوده که صفتی بی‌صدا و نامحسوس و خاموش است که در هنگام تلفظ این حرف تارهای صوتی مرتعش نشده و صوتی لطیف و بی‌نوا و آرام ساطع می‌شود (موسوی، ۱۹۹۸، ص ۴۷). تکرار این حرف مهموسه را در جای‌جای احادیث پیامبر (ص) می‌یابیم.

در حدیث زیر پیامبر اکرم (ص) بر تقوا، عمل صالح، دعوت به احساس مسئولیت تأکید کرده و افراد را به داشتن چنین صفات والای اخلاقی تشویق نموده است: «مَنْ نَفَسَ مِنْ مُسْلِمٍ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ يَسَّرَ عَلَيَّ مُسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مَنْ سَتَرَ عَلَيَّ مُسْلِمٍ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۵۶۷).

از برجسته‌ترین آواهای موجود در این حدیث تکرار ۱۱ مرتبه حرف مهموس «سین» است، برجستگی این آوا و قرارگرفتن آن در مجاورت «کاف» که دلالت صوتی محکم‌تر و عینی‌تری دارد، مضمون کلام حضرت (ص) را ملموس‌تر و محسوس‌تر نموده و بر زیبایی کلام افزوده است. در اغلب زبان‌های دنیا کلماتی که با کاف شروع می‌شوند بر معنای پوشش چیزی بودن دلالت می‌کنند (پرین، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰). پیامبر اکرم (ص) اموری که به منزله ظرفی برای درد و رنج انسان‌هاست، گوشزد فرموده و با بهره‌گیری از آوای سین که نرم و روان است، پیام فوق را بیان داشته است. «حرف سین هم برای نقل و حکایت (صوت) و هم برای روایت سکوت که نیازمند حداقل صوت است به‌کار می‌رود» (خوش‌منش، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴). تکرار سین در سخنان حضرت (ص) فضایی آرام و همراه با سکوت و خالی از سر و صدا حاکم نموده و صفت قوت و وضوح شنیداری را در کلام افزوده است. خلسه و آرامش بر اثر به‌کارگیری این صوت در کنار واژگانی با حروف ملایم و غیر انفجاری (لام، میم، نون) پدید آمده و باعث شده است که هیچ‌گونه خشونت در کلام احساس نشود. این ویژگی گفتاری علاوه بر تفخیم و تولید موسیقی خاص، معنا را کاملاً آشکار و مخاطب را به صفات والای انسانی رهنمون می‌کند.

در ادامه بررسی احادیث منتخب نهج الفصاحه، بسامد آواهای مهموس به همراه بیش‌ترین تکرار در قالب

جداول ذیل تبیین گردیده است:

جدول ۳: بسامد آواهای مهموس در احادیث

درصد	بسامد	آوای مهموس
۱۱/۵۴	۴۷۹	تاء
۲/۱۹	۹۱	ثاء
۹/۲۳	۳۸۳	حاء
۳/۹۲	۱۶۳	خاء
۱۰/۴۳	۴۳۳	سین
۳/۳۲	۱۳۸	شین
۳/۷۱	۱۵۴	صاد
۲/۷۴	۱۱۴	طاء
۱۰/۵۸	۴۳۹	فاء
۱۰/۲۴	۴۲۵	قاف
۱۱/۷۶	۴۸۸	کاف
۲۰/۲۹	۸۴۲	هاء
%۱۰۰	۴/۱۴۹	مجموع

جدول ۴: آواهای مهموس دارای بیشترین بسامد در احادیث

درصد	بسامد	اصوات مهموس
۲۰/۲۹	۸۴۲	هاء
۱۱/۷۶	۴۸۸	تاء
۱۱/۵۴	۴۷۹	فاء
۱۰/۵۸	۴۳۹	قاف
۱۰/۴۳	۴۳۳	سین

#### ۵- تفاوت کاربرد اصوات مجهور و مهموس

با توجه به جدول ۱ و ۲ مشخص شد که مجموع بسامد اصوات مجهور ۱۳۴۲۰ با نسبت ۷۶/۳۸ و مجموع بسامد اصوات مهموس ۴۱۴۹ با نسبت ۳۲/۶۱ درصد است. بیشترین درصد اصوات، مربوط به آواهای مجهور است و فقط ۳۲/۶۱ درصد اصوات مهموس است که این امر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی پیامبر اکرم

(ص) است. آواهای مجهور در هر زبانی بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده‌اند، ولی نکته آن است که این تفاوت در کلام آن حضرت (ص) چشمگیرتر است، به طوری که به عنوان ویژگی برجسته‌ای در کلام حضرت (ص) نمایان شده و به آن سمت و سوی معناداری داده است، «زیرا تکرار صوت خاص در جمله و عبارت خاص، علاوه بر این که دلالت بر معنای خاص را به مخاطب می‌رساند و اثر انفعالی او را برمی‌انگیزاند، موسیقی و آهنگی را در عبارت ایجاد و ساختار موسیقی متن را محکم می‌کند و باعث هماهنگی و توازن در کلام می‌شود که به طور ذاتی و پنهان در عبارت موجود است» (عبدالرحمن، ۲۰۰۳، ص ۶). از آنجایی که آوا نقش اساسی در بیان محتوای گوینده دارد، بنابراین، اصوات مجهور با محتوای سخنان حضرت (ص) تناسب کامل دارند و به سبک احادیث توازن و استحکام خاصی بخشیده‌اند. از این رو چون مخاطب احادیث اشخاص و جامعه بوده‌اند، تشویق یا هشدار به آن‌ها در موضوعات مختلف مورد نظر است.

### نتیجه‌گیری

از مقاله حاضر نتیجه می‌گیریم که در احادیث حضرت رسول (ص) در کتاب «نهج الفصاحه»، هر جا به قاطعیت و صلابت نیاز بوده آواهای مجهور، و هر جا انعطاف لازم بوده، آواهای مهموس حضور دارند. تکرار آواهای مجهور و مهموس موسیقی درونی و تصویرسازی را تقویت کرده و معانی مورد نظر را بازتاب داده است. در کلام آن حضرت (ص) برجستگی آواها و نقش آن‌ها در القای معانی به خوبی مشهود است. جایی که مقام سخن، سفارش به علم‌آموزی و تکریم عالم است، حرف «لام» ایفای نقش نموده و در هنگام توصیه به بخشش و گذشت و پرهیز از بخل و بدخویی، حرف «الف» حضور پررنگی دارد. چنانچه سخن از نفی تکبر و توصیه به تواضع و فروتنی است، حرف «میم» جلوه‌گر است. در توجه‌دادن به حقوق زنان از حرف «نون»، در ترسیم فقر در دنیا و رسوایی گنه‌کاران در آخرت، آوای «پاء» و در اشاره به شناخت آفات خصال خوب، آوای «هاء» شرکت جسته است. از این رو، یکی از مهم‌ترین ابعاد آوا و آفرینش آن در این اثر گران‌قدر، توصیف مناظر مختلف اعم از اعتقادی، اجتماعی و ... است که با مسئله معانی اصوات و هماهنگی لفظ با معنا پیوند تنگاتنگی دارد. بر این اساس، نسبت کاربرد آواهای مجهور و مهموس در نهج الفصاحه دارای تفاوت چشمگیری است، و همین کلام را حامل ایدئولوژی معناداری نموده است. این تحقیق نشان داد که آواهای مجهور و مهموس در کارکرد خود در نهج الفصاحه با اندیشه، عواطف و معانی مورد نظر حضرت (ص) هماهنگ و همسو عمل کرده‌اند و توانسته‌اند در مقام و موقعیت مناسب مفهوم و پیام مربوطه را به مخاطب انتقال دهند و نقش مهمی را در تصویرسازی از معانی به نمایش گذارند.



## منابع و مأخذ

۱. ابن جنی، ابوالفتح عثمان؛ *سَرِّصِنَاعَةِ الْعَرَابِ*؛ به کوشش: مصطفی السقا و دیگران، مصر: مكتبة مصطفى الحلبي، ۱۹۵۴ م.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۱۰ ق.
۳. أنیس، ابراهیم؛ *الأصوات اللغوية*؛ مصر: مكتبة نهضة مصر و مطبعتها، ۱۹۷۱ م.
۴. أنیس، ابراهیم؛ *دلالة الألفاظ*؛ ج ۴، قاهره: مكتبة الأنجلو المصرية، ۱۹۸۰ م.
۵. ایگلتنون، تری؛ *نظریه ادبی*؛ ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۶۸ ش.
۶. بحرأوی، سید؛ *موسیقی الشعر عند الشعراء*؛ قاهره: دارالمعارف، ۱۹۹۱ م.
۷. بشر، کمال؛ *دراسات في علم اللغة*، ج ۲، مصر: دارالمعارف، ۱۹۷۱ م.
۸. پاینده، ابوالقاسم؛ *نهج الفصاحه*؛ به کوشش: عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، ج ۲، اصفهان: انتشارات خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵ ش.
۹. پرین، لارنس؛ *در باره شعر*؛ ترجمه: فاطمه راکعی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
۱۰. چامسکی، نوآم؛ *معماری زبان*؛ ترجمه: محمد فرخی یکتا، تهران: روزبهان، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. خوش‌منش، ابوالفضل؛ *نظام‌نگ قرآن*؛ تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۹ ش.
۱۲. داود، سلیمان امانی؛ *الأسلوبية والصوفية*؛ عمان: وزارة الثقافة، ۲۰۰۲ م.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات في غريب القرآن*؛ بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. زارعی فر، ابراهیم؛ *الموسیقی فی الشعر الاجتماعي عند حافظ ابراهیم*؛ الجمعية العلمية الايرانية للغة العربية و آدابها، صص ۲۳-۳۹، ۲۰۰۷ م.
۱۵. زندی، بهمن؛ *درآمدی بر آواشناسی زبان عربی و تجوید قرآن*؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. سلوم، تأمر؛ «*الإنزياح الصوتي الشعري*»؛ مجلة آفاق الثقافة و التراث؛ جامعة تشرين - اللاذقية، شماره ۱۳، صص ۳۵-۵۲، ۱۹۹۶ م.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، المزهرفی علوم اللغة و أنواعها، ج ۱، ط ۳، قاهره: مكتبة دار التراث، ۲۰۰۸ م.
۱۸. عامود، محمد احمد ابوبکر، البلاغة الاسلوبية، تصویر الموت فی القرآن الکریم نموذجاً، القاهره: مكتبة الآداب، ۲۰۰۹ م.
۱۹. عباس، حسن؛ *خصائص الحروف العربية و معانيها*؛ دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، ۱۹۹۸ م.
۲۰. عبدالرحمن، مروان محمد سعید؛ *دراسة اسلوبية في سورة الكهف*؛ فلسطين: جامعة نجاح الوطنية، كلية الدراسة العليا، ۲۰۰۳ م.
۲۱. علوان سلمان، محمد؛ *الایقاع فی شعر الحدائث*؛ الاسكندرية العامرية: بی‌نا، ۲۰۰۸ م.
۲۲. فوزان، عبدالرحمن بن ابراهیم؛ *دروس فی النظام الصوتي للغة العربية*؛ جامعة الجزائر: الجزیره، ۱۴۲۸ ق.
۲۳. قرائتی، محسن؛ *تفسیر نور*؛ ج ۳، تهران: انتشارات مرکز فرهنگي درسهایی از قرآن، ۱۳۷۷ ش.

۲۴. قویمی، مهوش؛ *آوا و القاء*؛ تهران: رمس، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. کامری، برنارد و دیگران؛ *زبان‌های دنیا: چهار مقاله در زبان‌شناسی*؛ ترجمه: کوروش صفوی، تهران: سعادت، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. لوشن، نورالهدی؛ *مباحث فی علم اللّغة و مناهج البحث اللّغوی*؛ المكتبة الجامعیة، الإسكندریة، مصر، ۲۰۰۸ م.
۲۷. متحذین، زاله؛ *«تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن»*؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۴۸۳-۵۳۰، ۱۳۵۴ ش.
۲۸. مختار عمر، احمد؛ *دراسة الصوت اللّغوی*؛ قاهره: عالم الکتب، ۱۹۹۷ م.
۲۹. مطهری، مرتضی؛ *نظام حقوق زن در اسلام*؛ چ ۳۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. ملانکه، نازک؛ *فضایا الشعر المعاصر*؛ چ ۲، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۲ م.
۳۱. ملاح، حسینعلی؛ *پیوند موسیقی و شعر*؛ تهران: نشر فضا، ۱۳۶۷ ش.
۳۲. موسوی، مناف مهدی محمد؛ *علم الاصوات اللّغویة*؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۹۹۸ م.
۳۳. نحله، محمود احمد؛ *لغة القرآن الکریم فی جزء عمّ*؛ بیروت: دارالنهضة العربیة، ۱۹۸۱ م.
۳۴. وحیدیان کامیار، تقی؛ *فرهنگ نام آوایی فارسی*؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵ ش.